

Research Paper

Reframing of Iran's Energy Diplomacy in Natural Gas on the Horizon of 1420; Necessity or Choice



Mohammad Sadegh Karimi¹ , Reza Hafezi² , *Amir Hosein Souhankar³

1. Department of Energy Systems, Faculty of Energy Engineering, Sharif University of Technology, Tehran, Iran.
2. Department of Science & Technology Futures Studies, National Research Institute for Science Policy (NRISP), Tehran, Iran.
3. Department of Knowledge-Base Economy, Technology Studies Institute, Tehran, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Karimi MS, Hafezi R, Souhankar AH. (2022). [Reframing of Iran's Energy Diplomacy in Natural Gas on the Horizon of 1420, Necessity or Choice (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 11(41), 116-135.



Received: 15 Jun 2021

Accepted: 11 Oct 2021

Available Online: 01 Feb 2022

ABSTRACT

One of the most important areas of decision-making in the field of energy diplomacy is to trade and transit of various energy carriers aiming to boosting international political security. Among energy resources, natural gas is the main topic of this article due to high mutual dependence it created between interested parties. Using meta-analysis method and examining upstream documents and natural gas trade statistics of Iran and some of its regional competitors, this article analyzed the current challenges of Iran natural gas diplomacy and presented the corresponding solutions. So far, the main approach in Iran's natural gas diplomacy has been exporting this clean fossil fuel. Focusing solely on gas exporting no longer serves Iran's interests. The reasons are enormous; we challenge three of such. Firstly, the emergence of new gas production and consumption hubs in the region, increased geographical importance of Iran and the opportunities to playing a role in gas transit. Secondly, there are alternative routes try to ease Iran's advantage in gas transit and thirdly, increasing the gap between Iran's natural gas supply and demand. Therefore, Iran's natural gas diplomacy policy will cope with sort of opportunities and threats such as geographical importance due to the growth of gas production and consumption in the region and the threat of inability to meet domestic natural gas demand. Thus, exporting-natural-gas as the only strategy for the coming years should be reframed. What is argued is the export-import policy of gas and electricity could be taken into account together as an alternative.

Keywords:

Energy Diplomacy, Policy Making, Natural Gas, Future Tends

* Corresponding Author:

Amir Hossein Souhankar

Address: Department of Knowledge-Base Economy, Technology Studies Institute, Tehran, Iran.

E-mail: sohankar.182@ut.ac.ir

مقاله پژوهشی

بازتعریف سیاست دیپلماسی انرژی ایران در گاز طبیعی در افق ۱۴۲۰؛ ضرورت یا انتخاب

محمدصادق کریمی^۱، رضا حافظی^۲، *امیرحسین سوهانکار^۳

۱. گروه سیستم‌های انرژی، دانشکده مهندسی انرژی، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران.
۲. گروه مطالعات آینده علم و فناوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران، ایران.
۳. گروه اقتصاد دانش‌بنیان، پژوهشکده مطالعات فناوری، تهران، ایران.

چکیده

تاریخ دریافت: ۲۵ خرداد ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۱۹ مهر ۱۴۰۰
تاریخ انتشار: ۱۲ بهمن ۱۴۰۰

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مورد بحث و موضوع تصمیم‌گیری در دیپلماسی انرژی خرید، فروش یا معاوضه و ترانزیت انواع حامل‌های انرژی با هدف افزایش امنیت سیاسی بین‌المللی است. از میان حامل‌های مختلف انرژی گاز طبیعی به دلیل ایجاد وابستگی متقابل زیاد موضوع اصلی این مقاله است. مقاله حاضر، با استفاده از شیوه فراتحلیل و متمرکز بر وجوه کیفی آن و با بررسی اسناد بالادستی، اطلاعات و آمار مبادلات گاز طبیعی کشور و برخی رقبای منطقه‌ای به تحلیل وضع موجود (آسیب‌شناسی) و ارائه راهبردهای متناظر پرداخته است. رویکرد اصلی در دیپلماسی گازی ایران تاکنون تمرکز بر صادرات این حامل بوده است. تمرکز صرف بر صادرات گاز به سه دلیل، دیگر تأمین‌کننده منافع ایران نیست. اول، ظهور قطب‌های تولید و مصرف گاز در منطقه، افزایش اهمیت جغرافیایی ایران و فرصت ویژه نقش‌آفرینی در عبور و دادوستد گاز، دوم، فعال بودن مسیرهای جایگزین برای از بین بردن مزیت ایران در عبور و دادوستد گاز و سوم، ناترازی و کسری گاز در داخل کشور. بنابراین سیاست دیپلماسی گازی ایران با یک فرصت و یک تهدید مواجه است: فرصت افزایش اهمیت جغرافیایی ایران به دلیل رشد نقاط تولید و مصرف گاز در منطقه و تهدید کسری تراز گازی کشور. پس صادرات محوری در سال‌های پیش رو تأمین‌کننده منافع ملی ایران نخواهد بود. بازتعریف این سیاست نه تنها یک انتخاب، بلکه ضرورتی انکارناپذیر است. توصیه حداقلی این پژوهش در پیش گرفتن سیاست ترکیبی صادرات واردات گاز و برق به طور هم‌زمان است.

کلیدواژه‌ها:

دیپلماسی انرژی،
سیاست‌گذاری، گاز
طبیعی، روندهای
آینده

* نویسنده مسئول:

امیرحسین سوهانکار

نشانی: تهران، پژوهشکده مطالعات فناوری، گروه اقتصاد دانش‌بنیان.

رایانامه: sohankar.182@ut.ac.ir

مقدمه

بین‌المللی است.

همان‌طور که اشاره شد، دیپلماسی انرژی مفهومی پویا است که می‌تواند وابسته به رویکرد کشورهای مختلف از نظر جایگاه در بازار انرژی و ویژگی‌های ژئوپلیتیک بازتعریف شود. از منظر کلان، دیپلماسی انرژی ابزار سیاست خارجی است که دو هدف اصلی را دنبال می‌کند: ۱. حفاظت از سیاست‌های اقتصادی و ۲. تضمین امنیت انرژی؛ بنابراین دیپلماسی انرژی به دنبال ریل‌گذاری مناسبات اقتصادی و تجاری با سایر دولت‌ها (و حتی سازمان‌ها) است تا از طریق پشتیبانی از دسترسی به منابع قابل اعتماد و مقرون‌به‌صرفه، سطح استاندارد از امنیت انرژی را تأمین کند.

۱. ادبیات موضوع

تاکنون مقالات و گزارش‌های متعددی به موضوع دیپلماسی انرژی پرداخته‌اند. در یکی از نمونه‌های متأخر پتری اجاد دگر دیسی در دیپلماسی انرژی و اقلیمی اتحادیه اروپا را بررسی کرد و پیشنهادهایی برای اتخاذ سیاست‌ها در راستای دیپلماسی معاملات سبز^۱ ارائه کرد (Petri, 2020).

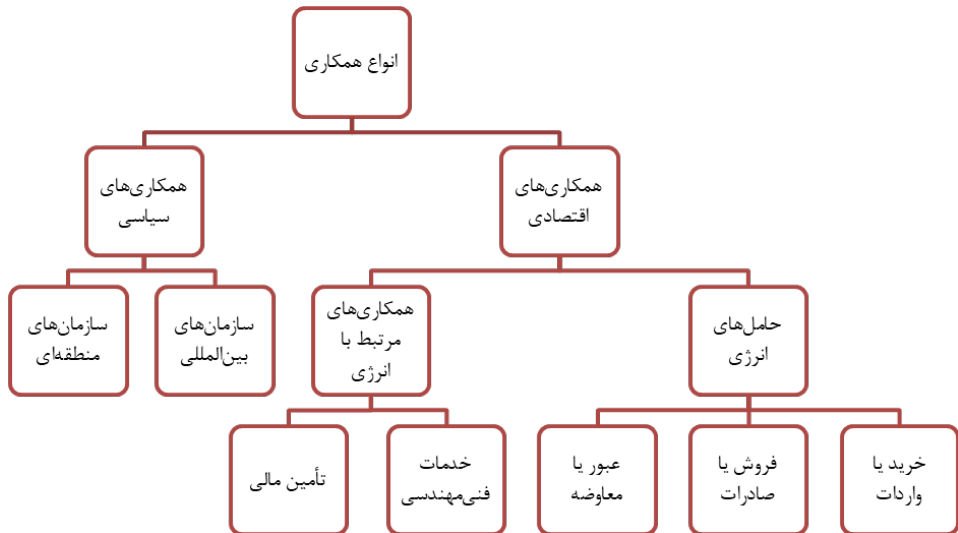
در این گزارش، نویسنده با بررسی موفقیت‌های گذشته و فرصت‌های ازدست‌رفته طی پیاده‌سازی دیپلماسی‌های انرژی در دوره زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ توصیه‌هایی برای تحقق هدف «معاملات سبز اروپایی» و پیاده‌سازی این راهبرد به عنوان بخشی از دیپلماسی انرژی اروپا ارائه کرده است. در مطالعه‌ای دیگر، لیاو دیپلماسی کشور چین در مناطق مرکزی آسیا را از منظر موقعیت ژئوپلیتیک تحلیل کرده است (Xuanli Liao, 2021).

در ادبیات علمی، واژه دیپلماسی انرژی به صورت متفاوتی از قدرت دولت‌ها در تضمین امنیت تأمین انرژی از خارج از مرزها و ارتقای روابط و همکاری بین دولت‌ها در حوزه‌های مرتبط انرژی دلالت دارد (Goldthau, 2010). این مفهوم اغلب با سیاست‌گذاری انرژی در هم می‌آمیزد، به صورتی که در بسیاری از کشورها تدوین سیاست‌های اولی، مستلزم بازنگری در سیاست‌های دیگری است. در کشورهایی که بخش انرژی و صنایع وابسته به آن نزدیکی بیشتری با نظام دولتی دارند، نظیر چین، روسیه، ایالات متحده و نیز جمهوری اسلامی ایران، این درهم‌تنیدگی بیشتر به چشم می‌خورد. در مقابل، اتحادیه اروپا که مدل بازار را دنبال می‌کند، سیاست‌گذاری انرژی عملاً در بازار رقم می‌خورد (Herranz-Surrallés, 2016).

به بیان دیگر، تأمین انرژی تا حد زیادی توسط شرکت‌های خصوصی انجام می‌شود و مصوبات دستوری نقش کم‌رنگی در سیاست‌گذاری انرژی دارد (Youngs, 2011). در چنین شرایطی اتحادیه اروپا بیشتر در پی ایجاد فضای تنظیم‌گری در مدیریت روابط خود با سایر مناطق دنیا است (Prange-Gstöhl, 2009).

تجارت مستقیم حامل‌های انرژی می‌تواند مشتمل بر سه نوع باشد: اول: خرید حامل انرژی یا واردات، دوم: فروش حامل انرژی یا صادرات و سوم: عبور یا معاوضه حامل انرژی (یاری و رضایی، ۱۳۹۶). با این مقدمات می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مورد بحث و موضوع تصمیم‌گیری در دیپلماسی انرژی خرید، فروش یا معاوضه و ترانزیت انواع حامل‌های انرژی با هدف افزایش امنیت سیاسی

1. Green Deal Diplomacy



تصویر ۱. انواع همکاری در دیپلماسی انرژی

تحلیل دیپلماسی انرژی کشور مبادرت ورزیدند. به عنوان نمونه، عادل‌ی در مقاله‌ای به نقش دیپلماسی انرژی در امنیت بین‌المللی پرداخته و به صورت ویژه‌ای نقش ایران در این حوزه را ارزیابی کرده است (Adeli, 2010).

عادل‌ی در این مقاله اشاره می‌کند که ظرفیت ایران در تأمین انرژی می‌تواند به افزایش امنیت بازارهای جهانی انرژی منجر شود که به‌طور متقابل منافع امنیت ملی و بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران را به همراه دارد. صادقی و همکاران، دیپلماسی انرژی را یکی از الزامات اساسی در راهبردهای بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و انرژی به عنوان اهرمی ژئوپلیتیک در نظام جهانی قدرت در عصر معاصر معرفی می‌کنند (Sadeghi et al., 2018). نویسندگان اشاره می‌کنند که دیپلماسی انرژی می‌تواند زمینه لازم را برای کاهش محدودیت‌ها بین‌المللی علیه ایران

بررسی معاملات چین با قزاقستان و ترکمنستان، با در نظر گرفتن تحرکات و تنش روسیه، نشان می‌دهند که برای موفقیت در سیاست‌های انرژی، چین به حضور در عرصه‌های جهانی نیازمند است. از مهم‌ترین سیاست‌های هم‌راستا با این یافته، ۱. گره زدن سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی چین با تعاملات انرژی در این کشور، ۲. تقویت نقش چین در سازمان همکاری‌های شانگهای و ورود این مجموعه به عرصه انرژی و ۳. ایجاد تغییرات در نقشه خط لوله انتقال حامل‌های انرژی هستند (Xuanli, Liao, 2021).

در یک دهه اخیر و با توجه به نقش ایران در بازارهای جهانی انرژی، مطالعات متعددی به دخیل کردن ایران در معادلات دیپلماسی انرژی اقدام نموده و به صورت ویژه به آن پرداخته‌اند. معدود مطالعاتی نیز از منظر جمهوری اسلامی ایران به

واردکنندگان انرژی نظیر چین مطالعه شده است و بررسی دیپلماسی انرژی با هدف بیشینه‌سازی منافع جمهوری اسلامی ایران در منطقه، تسهیل دستیابی به اهداف راهبردی کلان انرژی کشور و تضمین امنیت انرژی مغفول مانده است.

در میان حامل‌های انرژی مختلف، گاز ظرفیت وابسته‌سازی بالایی دارد (Schaffer, 2008)، زیرا گاز طبیعی تا حدود زیادی قابل ذخیره‌سازی نیست^۲. ضمن اینکه بیشتر مصرف‌کنندگان گاز به ندرت توانایی جایگزینی سوخت گاز طبیعی را با حامل انرژی دیگری دارند (بحرینی، ۱۳۹۰). برای مثال، نیروگاه‌های با توربین‌های گاز، با سوخت گاز طبیعی بالاترین بازدهی خود را خواهند داشت و ساختمان‌هایی که به شبکه گاز دسترسی دارند، سامانه‌های گرمایشی خود (مانند بخاری یا موتورخانه) را به گونه‌ای انتخاب می‌کنند که تنها با سوخت گاز طبیعی کارایی داشته باشد^۳.

سومین دلیل اینکه زیرساخت واردات یا صادرات گاز به صورت لوله اختصاصی است و نمی‌توان از آن برای واردات گاز از کشور دیگر یا صادرات به کشور

۲. به عنوان مثال، ایران که یکی از کشورهای پیشرفته در ایجاد ظرفیت ذخیره‌سازی گاز است، در بیشترین مقدار ذخیره‌سازی تاکنون، توانسته است به اندازه مصرف چهار روز خود گاز ذخیره کند. در شرایطی که ایران نیاز چندانی به ذخیره‌سازی نفت (آن طور که کشورهای واردکننده نیاز دارند) ندارد و در نتیجه قاعدتاً ظرفیت ذخیره‌سازی نفت ایران کمتر از متوسط جهانی است، ظرفیت ذخیره‌سازی نفت ایران به اندازه سی روز مصرف و پانزده روز تولید نفت است. این عدد بر اساس استانداردهای کشورهای واردکننده باید معادل شصت تا نود روز مصرف باشد؛ بنابراین عملاً ذخیره‌سازی گاز ظرفیت و امکان بسیار محدودی دارد. (www.shana.ir/news/310813/)(www.irna.ir/news/84223242/)

۳. البته این موضوع کلی و غیرقابل خدشه نیست. مثلاً برخی از صنایع یا نیروگاه‌های مصرف‌کننده گاز می‌توانند با سوخت مایع نیز به فعالیت خود ادامه دهند.

از طریق راهبرد اقتصاد سیاسی بین‌المللی و وابستگی متقابل فراهم آورد (تصویر شماره ۱).

بوچه به بررسی توسعه روابط دیپلماتیک اتحادیه اروپا با آذربایجان و ایران جهت تضعیف قدرت چانه‌زنی روسیه در تأمین گاز طبیعی اتحادیه اروپا پرداخت (Bocse, 2019).

این سیاست با هدف متنوع‌سازی تأمین‌کنندگان انرژی اتحادیه اروپا و تقویت امنیت انرژی آن پیشنهاد شده است. در مقاله‌های دیگر، وو ادعا می‌کند که چین به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کننده‌های انرژی جهان نیازمند برقراری ارتباط قوی با کشورهای دارنده منابع انرژی نظیر ایران است (Wu, 2015). در این مقاله نویسنده بر نقاط قوت این رابطه راهبردی متمرکز شده است، در حالی که لیائو رابطه میان چین و ایران در حوزه دیپلماسی انرژی را بستری برای تقویت صلح در منطقه و جهان می‌داند (Liao, 2013).

به صورت مشابه، سلامی زواره و فلاحی برزکی تأمین امنیت انرژی چین از مسیر تقویت روابط دیپلماتیک در حوزه انرژی با جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را بررسی کرده‌اند (Salami Za- varez & Fallahi Barzoki, 2018). نویسندگان ادعا می‌کنند در آینده کوتاه‌مدت و در پی برقراری تعادل میان بازیگران اصلی در خاورمیانه، چین وارد مرحله جدیدی از دیپلماسی انرژی با ایران و عربستان خواهد شد و پیش‌بینی می‌کنند در دوران پسابرجام سهم ایران در بازار نفت چین رشد خواهد کرد که البته با خروج ایالات متحده از برجرام این امر محقق نشد.

همان‌طور که مرور بر ادبیات موضوع نشان داد، غالباً نقش ایران به عنوان یکی از دارندگان منابع انرژی، در رابطه با سایر دولت‌ها، به‌ویژه



تصویر ۲. پیش‌بینی عرضه و تقاضای نفت جهان (2020 World Oil Outlook 2045, 2020)

با وجود این، متوسط تقاضای نفت در اوایل دهه ۲۰۳۰ به اوج خود رسیده و پس از آن تقریباً در حدود ۱۰۹ میلیون بشکه در روز ثابت خواهد بود. از طرفی عرضه نفت خام با بازگشت فعالیت‌های اقتصادی به حالت عادی افزایش می‌یابد، اما از اوایل دهه ۲۰۳۰ متوسط عرضه نفت خام به دلیل آنکه بسیاری از میادین نفتی در سراسر جهان به دوره تولید ثابت^۵ خود می‌رسند و برخی دیگر نیز روند کاهشی تولید را آغاز می‌کنند، در مجموع در حدود عدد ۱۰۹/۲ میلیون بشکه در روز ثابت خواهد بود، به همین دلیل عرضه مازاد نفت در تصویر شماره ۲ پس از سال ۲۰۳۰ ثابت است.

همچنین زیرساخت‌های دریافت نفت خام و فرآورده‌های نفت شامل اسکله‌های دریایی یا جاده‌های مسیر تانکرهای نفت و فرآورده، به مانند زیرساخت‌های دریافت گاز طبیعی از طریق خط لوله اختصاصی نیست و از آن می‌توان برای دریافت نفت خام و فرآورده از هر کشوری استفاده کرد؛ بنابراین

دیگری استفاده کرد.^۴ در مقابل، نفت و فرآورده‌های نفتی کمترین ظرفیت وابسته‌سازی را دارند؛ زیرا از طرفی نفت و فرآورده‌های نفتی قابل ذخیره‌سازی هستند و به صورت کلی در دنیا مازاد عرضه نفت وجود دارد (Dale & Fattouh, 2018) و پیش‌بینی می‌شود طی دهه‌های پیش رو نیز این مازاد عرضه نفت خام ادامه یابد. به دلیل سیالیت تجارت نفت، این نفت مازاد عملاً از هر نقطه‌ای از جهان به هر نقطه دیگر قابل انتقال است. تصویر شماره ۲ این مازاد عرضه را در شرایطی که کشورهای عضو توافق اوپک پلاس کمتر از ظرفیت اسمی خود در حال تولید نفت هستند، نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، تقاضای نفت خام پس از افت ناشی از بحران ویروس کووید-۱۹ در سال ۲۰۲۵ به سطوح قبل از ویروس کرونا بازمی‌گردد.

۴. البته با گسترش زیرساخت‌های دریافت گاز مایع‌شده (ال‌ان‌جی) این ظرفیت وابسته‌سازی گاز طبیعی کاهش یافته است، ولی در مورد ایران و همسایگانش به دلیل نزدیکی جغرافیایی همچنان خط لوله بهترین گزینه انتقال گاز است و در نتیجه خاصیت وابسته‌سازی متقابل در تجارت منطقه‌ای گاز ایران وجود دارد.

5. Plateau Production

موارد زیر اشاره کرد: ۱. ایجاد زیرساخت‌های صادرات گاز به ترکیه، عراق و ارمنستان، ۲. برنامه‌ریزی برای صادرات گاز به پاکستان و اجرای خط لوله صلح تا نزدیکی مرز این کشور (شیرجیان و همکاران، ۱۳۹۵)، ۳. برنامه‌ریزی برای ایجاد بنادر صادرات گاز مایع‌شده (ال‌ان‌جی^۶) در سه منطقه مختلف (پروژه‌های ال‌ان‌جی ایران در انتظار اجرا، ۱۳۹۵)، ۴. مذاکرات و در برخی موارد عقد قراردادهای صادرات گاز به اروپا (منتظر ترتبی، ۱۳۹۹) و ۵. مذاکرات با عمان برای صادرات گاز به این کشور یا صادرات نیابتی گاز با استفاده از تأسیسات گاز مایع‌شده عمان (Iran Ready to Export Gas to Jordan, Lebanon) (and Syria, 2013).

موارد مذکور اقدامات یا برنامه‌ریزی‌هایی هستند که وزن رویکرد صادرات‌محور در دیپلماسی گاز را نشان می‌دهند. در مقابل از مصادیق رویکردهای واردات‌محور یا معاوضه‌محور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. قرارداد واردات گاز از ترکمنستان که به دلیل اختلافات متوقف شده و در مرحله داوری است (ICA Rules Iran Pay \$2b to Turkmen-) (gaz, 2020)، ۲. قرارداد معاوضه گاز بین جمهوری آذربایجان و منطقه خودمختار نخجوان که با توافقات اخیر آذربایجان و ترکیه مبنی بر تأمین گاز نخجوان از انشعاب خط لوله گاز آذربایجان به ترکیه، این قرارداد نیز تحت‌الشعاع قرار گرفته است (Temizer, 2020) و ۳. قرارداد معاوضه گاز بین ترکمنستان و آذربایجان که اکنون متوقف شده یا با حجم اندکی در حال انجام است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود اندک فعالیت‌های دیپلماسی گاز ایران که مبتنی بر رویکرد خرید یا

در میان حامل‌های انرژی فسیلی تجارت (شامل خرید، فروش و عبور یا معاوضه) گاز بیشتر از نفت و فراورده‌های نفتی با هدف افزایش امنیت سیاسی بین‌المللی قابل بحث و برنامه‌ریزی در دیپلماسی انرژی است. بر اساس آنچه ذکر شد، در این مقاله عرضه گاز طبیعی ایران در بازه زمانی کوتاه تا میان مدت ارزیابی و راهبردهایی مبتنی بر تقویت دیپلماسی انرژی و جبران اثر تهدیدهای احتمالی آینده پیشنهاد شده‌اند.

۲. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش بر آسیب‌شناسی وضع موجود و شناسایی نقاط ضعف اساسی حوزه دیپلماسی گاز طبیعی جمهوری اسلامی ایران بنا نهاده شده است. به این منظور و با استفاده از چارچوب روش‌شناسی فراتحلیل (Crowther, Lim, & Crowther, 2010; Seidler, et al., 2019) و متمرکز بر وجوه کیفی آن، اسناد بالادستی، اطلاعات و آمار مبادلات گاز طبیعی کشور و برخی رقبای منطقه‌ای و نیز مطالعات پیشین به عنوان ورودی اصلی پژوهش حاضر در نظر گرفته شدند. جهت جلوگیری از تطویل مقاله و رعایت چارچوب نگارشی مجله، بخش‌های پیش رو به ارائه تحلیلی از وضع موجود (آسیب‌شناسی) و ارائه راهبردهای متناظر پرداخته‌اند و جهت مطالعه بیشتر در هر مورد، مرجع لازم، جهت رجوع، مورد اشاره قرار گرفتند.

۲-۱. آسیب‌شناسی وضع موجود دیپلماسی گاز طبیعی ایران

در ایران تاکنون عمده سیاست‌های مرتبط با دیپلماسی گاز بر صادرات این حامل انرژی متمرکز بوده است. از جمله مصادیق این سیاست‌ها می‌توان به

6. LNG: Liquefied Natural Gas

رویکرد صادرات‌محور بر رویکرد واردات‌محور یا معاوضه‌محور در دیپلماسی نفت و برق ایران است، اما ادامه این رویکرد نمی‌تواند تأمین‌کننده منافع کشور و امنیت سیاسی بین‌المللی ایران در سال‌های آینده باشد، زیرا:

کشورهای اطراف ایران در حال تبدیل شدن به قطب‌های تولید و مصرف گاز هستند. به عبارت دیگر، ایران در حال از دست دادن مزیت منابع گازی خود است، اما به دلیل شکل‌گیری قطب‌های تولید و مصرف در اطراف ایران، اهمیت جغرافیایی کشور (یعنی قرار داشتن در مسیر عبور و ترانزیت حامل‌های انرژی) در حال افزایش است و این مزیت می‌تواند جایگزین مزیت منابع در دیپلماسی انرژی شود.

از یکسو کشورهای ترکمنستان و آذربایجان برنامه‌های بلندپروازانه‌ای برای افزایش تولید گاز از منابع خود دارند و از سوی دیگر، روند توسعه کشورهای مانند عراق و پاکستان و تقاضای رو به رشد کشورهایمانند هند و ترکیه تقاضایی بزرگ برای گاز طبیعی را در اطراف ایران شکل خواهد داد؛ بنابراین استفاده از مزیت جغرافیا به جای مزیت منابع به عنوان فرصتی پیش‌روی ایران است. تصویر شماره ۳ پیش‌بینی تولید گاز آذربایجان و ترکمنستان و جهش احتمالی آن را نشان می‌دهد. بر این اساس تا سال ۲۰۲۸، به ترتیب بیست و سی میلیون مترمکعب به تولید روزانه گاز این دو کشور اضافه خواهد شد.

تصویر شماره ۴ پیش‌بینی مصرف گاز دو کشور عراق و پاکستان را نشان می‌دهد. بر این اساس تا سال ۲۰۲۸، به ترتیب شش و پانزده میلیون مترمکعب به مصرف روزانه گاز این دو کشور اضافه

معاوضه حامل‌های انرژی بوده است نیز هریک به نوعی محدود یا متوقف شده است.

از سوی دیگر، مهم‌ترین اسناد بالادستی کشور در ارتباط با دیپلماسی انرژی عبارت‌اند از: سند ملی راهبرد انرژی کشور (۱۳۹۵) و سیاست‌کلی نظام در زمینه انرژی (۱۳۷۹). بر اساس بررسی‌های صورت‌گرفته، موارد زیر در ارتباط با حوزه واردات انواع حامل‌های انرژی شایان ذکر است:

به‌طور مشخص به موضوع واردات انرژی پرداخته نشده است.

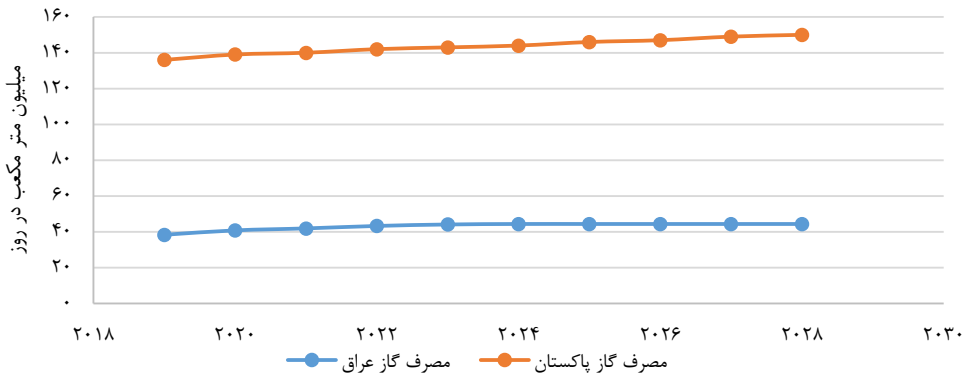
به نقش دیپلماسی انرژی در چرخه وضعیت کلان انرژی اشاره نشده است.

به واردات انرژی به عنوان یکی از موضوعات مهم در دیپلماسی انرژی توجه نشده است.

به ضرورت واردات انرژی به منظور تعدیل تراز انرژی و همچنین تقویت بازارهای صادراتی پرداخته نشده است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در اسناد سیاست‌گذاری کلان این حوزه نیز واردات انواع حامل‌های انرژی، به‌ویژه گاز طبیعی، مغفول مانده است.

بنابراین تاکنون رویکرد غالب در دیپلماسی گاز ایران تمرکز بر صادرات به علت وجود مزیت منابع غنی بوده است. (این غلبه در مورد دیپلماسی نفت و برق نیز مشاهده می‌شود. صادرات نفت خام به کشورهای مختلف، برنامه‌ریزی برای ایجاد بندر صادراتی جدید در جاسک و صادرات برق به کشورهایمانند عراق و افغانستان در مقابل برنامه معاوضه نفت خام کشورهای حاشیه خزر که از اواخر دهه هشتاد متوقف شده است، شواهدی از غلبه



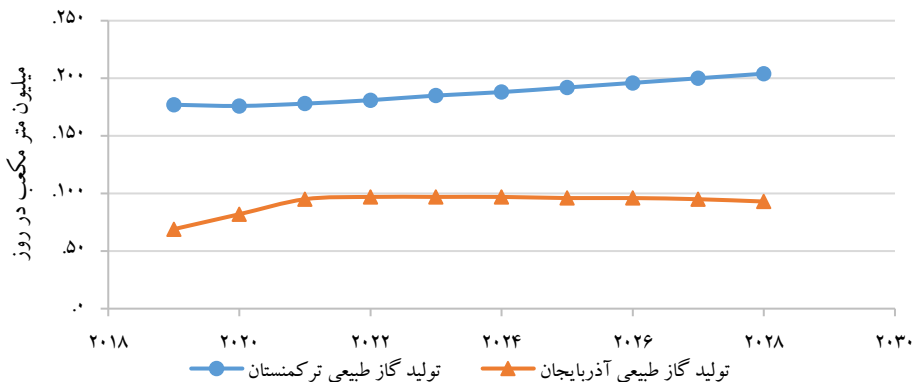
تصویر ۳. مصرف گاز عراق و پاکستان تا افق ۲۰۲۸ بر اساس گزارش مکنزی (Mackenzie, 2021)

جغرافیایی از بین خواهد رفت. کشورهای دارای منابع گاز و کشورهای متقاضی به سرعت در حال طراحی مسیرهایی برای دور زدن ایران و رساندن گاز از قطب‌های تولید به قطب‌های مصرف هستند و این مسیرهای اتصال هم‌اکنون در حال مذاکره و یا ساخت است.

بنابراین مزیت جغرافیایی ایران با ایجاد خط

خواهد شد.

در صورتی که ایران همچنان مانند گذشته تنها به مزیت منابع خود تکیه کرده و امکانات و شرایط لازم، از جمله انجام مذاکرات با کشورهای دارای نفت، اتمام یا بازسازی زیرساخت‌های انتقال گاز به کشورهای مجاور و... را جهت اتصال قطب‌های تولید و مصرف گاز طبیعی به یکدیگر فراهم نکند، فرصت مزیت



تصویر ۴. تولید گاز طبیعی آذربایجان و ترکمنستان تا افق ۲۰۲۸ بر اساس گزارش مکنزی (Mackenzie, 2021)



تصویر ۵. مسیرهای تأمین گاز اطراف ایران

۷. خط لوله آسیای مرکز (سی‌ای‌پی)،^۸ ۸. صادرات ال‌ان‌جی قطر به چین،^۹ خطوط لوله جریان جنوبی و جریان ترکی،^{۱۰} واردات ال‌ان‌جی ترکیه از بازار ال‌ان‌جی،^{۱۱} خطوط لوله صادرات روسیه به اروپا،^{۱۲} خط لوله پیشنهادی قدرت سیبری (روسیه به چین)،^{۱۳} واردات ال‌ان‌جی هند از بازار ال‌ان‌جی).

۳. منابع گازی ایران از اوج تولید خود عبور کرده‌اند و در سال‌های آینده افت تولید گاز طبیعی از این منابع در کنار رشد سریع مصرف، ظرفیت‌های صادراتی حامل انرژی امنیت‌آوری مثل گاز را به سرعت کم خواهد کرد و به صفر خواهد رساند. تصویر شماره ۶ تراز گازی کشور مصوب فروردین ۱۴۰۰ شورای عالی انرژی است که نشان می‌دهد تا سال ۱۴۲۰، تولید گاز ایران نمی‌تواند تقاضای گاز طبیعی داخل را پوشش دهد.

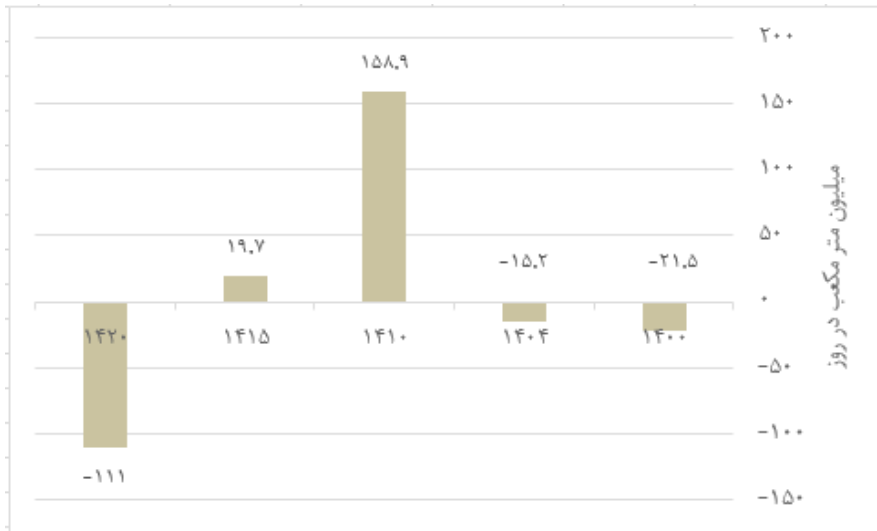
در این سند برای محاسبه تراز گاز طبیعی ایفای

لوله‌هایی مثل تاپی^۷، تی‌سی‌پی^۸، باکو تفلیس ارزروم و توسعه صادرات ال‌ان‌جی کشورهایی مانند قطر و روسیه به هند و پاکستان از بین خواهد رفت و ایران فرصت نقش‌آفرینی در تجارت انرژی منطقه و در نتیجه افزایش امنیت سیاسی بین‌المللی خود با ابزار انرژی را تا حدود زیادی از دست خواهد داد. تصویر شماره ۵ مسیرهای موجود یا پیشنهادی برای صادرات گاز در اطراف ایران را نشان می‌دهد که به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. خط لوله پیشنهادی خزر (تی‌سی‌پی)،^۲ خط لوله پیشنهادی تاپی،^۳ خط لوله باکو تفلیس ارزروم،^۴ صادرات ال‌ان‌جی قطر به پاکستان،^۵ صادرات ال‌ان‌جی قطر به هند،^۶ خط لوله ترکمنستان به چین (یک خط موجود و یک خط پیشنهادی)،

7. TAPI: Turkmenistan–Afghanistan–Pakistan–India Pipeline

8. TCP: Trans-Caspian Pipeline



تصویر ۶. تراز گاز در سناریوی بهینه‌سازی با سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی (سند تراز تولید و مصرف گاز طبیعی در کشور تا افق ۱۴۲۰، ۱۴۰۰)

حتی قطر از یکسو و رشد مصرف در کشورهایی مانند عراق، پاکستان، ترکیه و هند از سوی دیگر و تهدید کمبود منابع گازی و کسری تراز گازی کشور که مستلزم اتخاذ همه راهبردها برای تأمین انرژی مورد نیاز کشور، از جمله واردات گاز است. بر این اساس صادرات محوری در سال‌های پیش رو تأمین‌کننده منافع ملی ایران نخواهد بود و ضروری است توجه به کشورهای دارنده منابع گاز در اطراف ایران در صدر اولویت‌های دیپلماسی انرژی ایران قرار گیرد.

برای انتخاب بستر لازم برای همکاری با کشورهای دارای منابع گاز، توجه به این موضوع نیز ضروری است که در موضوع معاوضه و ترانزیت حامل‌های انرژی، موضوع اصلی فقط یک قالب قراردادی نیست، بلکه آنچه مهم است تحقق فیزیکی جریان ورود و خروج انرژی به ایران و از ایران است. قالب قراردادی متناظر با این جابه‌جایی فیزیکی می‌تواند یکی از این

تعهدات فعلی صادرات گاز به عنوان تقاضای گاز در نظر گرفته و پوشش داده شده و فرض شده است که سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی بهینه‌سازی مصرف به صورت کامل اجرا خواهد شد. با توجه به پیچیدگی اجرای این سیاست‌ها، به هر میزان که سیاست‌های مذکور اجرا نشود، تراز گازی کشور منفی‌تر و ظرفیت صادرات کمتر می‌شود.

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. ضرورت بازتعریف سیاست دیپلماسی گاز طبیعی ایران

بنابر آنچه گفته شد سیاست‌گذاری دیپلماسی گاز ایران با یک فرصت و یک تهدید مواجه است: فرصت افزایش اهمیت جغرافیایی ایران به دلیل رشد تولید گاز در کشورهایی مانند ترکمنستان، آذربایجان و

سه شکل باشد: خرید و فروش، معاوضه و عبوردهی (ترانزیت).

خرید و فروش حامل‌های انرژی اگر به صورت جداگانه رخ دهد، این اختیار و ظرفیت مانور را به کشور می‌دهد تا در شرایط مختلف سطح روابط انرژی خود با کشورها را تنظیم، قدرت و نفوذ خود را در بازارهای صادراتی حفظ و قدرت مذاکره خود در مبادی وارداتی را تثبیت کند. در حالی که معاوضه (به معنای تحویل گرفتن و مصرف حامل انرژی نفت یا گاز در مرز مبدأ و تحویل دادن معوض آن در مرز مقصد) در عمل باعث می‌شود بازار صادراتی ایران گسترش یابد. در ترانزیت (به معنی انتقال مستقیم حامل انرژی نفت و یا گاز از مرز مبدأ به مرز مقصد)، کشور از همان حداقل اختیار مانور قابل تصور در معاوضه نیز محروم می‌شود و باید تنها به منافع اقتصادی ناشی از اخذ حق ترانزیت اکتفا کند؛ بنابراین از این منظر که کدام بستر همکاری قدرت مانور بیشتری در عرصه سیاست بین‌الملل به ایران می‌دهد، خرید و فروش نسبت به معاوضه و معاوضه نسبت به ترانزیت اولویت دارد.

بر این اساس اولویت راهبردی دیپلماسی گاز ایران در سال‌های پیش رو خرید حداکثری گاز از کشورهای دارای منابع گاز منطقه است، چراکه این سیاست هم بهترین سیاست برای استفاده از مزیت جغرافیایی ایران و جابه‌جایی گاز از قطب‌های تولید منطقه به قطب‌های مصرف منطقه است و هم می‌تواند به جبران فاصله میان عرضه و تقاضای گاز طبیعی ایران کمک کند.

در میان کشورهای دارنده گاز در منطقه اولویت خرید به ترتیب با کشورهای ترکمنستان، آذربایجان و قطر است. در مورد ترکمنستان زیرساخت‌های

فیزیکی واردات گاز وجود دارد و سابقه قرارداد عملیاتی واردات گاز نیز باعث می‌شود در صورت تحقق توافق، جریان واردات گاز به سرعت برقرار شود.

در مورد آذربایجان زیرساخت فیزیکی واردات تا حدودی وجود دارد، اما مهم‌تر از آن توافقاتی است که این کشور به تدریج با کشورهای مختلف برای پیش‌فروش گاز میدان‌های آینده‌دار خود مانند شاه‌دنیز منعقد می‌کند. در صورتی که ایران از این اولویت غفلت کند، حتی زمانی که واردات از آذربایجان ضرورت چند برابر پیدا کند، امکان طرح موضوع را هم نخواهد داشت، زیرا همه گاز تولیدی آتی این کشور طی قراردادهای مختلف به فروش خواهد رفت و به‌زحمت سهم ناچیزی برای ایران باقی خواهد ماند.

در مورد قطر، زیرساخت فیزیکی برای واردات گاز از این کشور وجود ندارد و در صورت توافق ضروری است که خط لوله‌ای در بستر دریا بین ایران و قطر ایجاد شود. ضمن آنکه این کشور توسعه بخش عمده‌ای از میادین خود را با قراردادهای پیش‌فروش گاز طبیعی مایع‌شده (ال‌ان‌جی) حاصل از آن، هم‌زمان کرده است، اما با توجه به تغییر مسیر بازار ال‌ان‌جی جهان از یک بازار مبتنی بر قراردادهای طولانی مدت به بازار سیال تک‌محموله، این امکان وجود دارد که ایران بتواند با پیشنهاد قیمت مناسب بخشی از ظرفیت صادرات گاز قطر را به خود اختصاص دهد.

بنابراین به دلیل نبود زیرساخت فیزیکی و محدودیت منابع آزاد قطر برای فروش به ایران این کشور در اولویت سوم خرید گاز قرار دارد. در کنار این سه کشور، ایجاد زیرساخت‌های دریافت ال‌ان‌جی

طرف مقابل) سایر محصولات قابل صادرات ایران تبدیل کند. بدیهی است این امر مهم، زمانی عملیاتی خواهد شد که درک درستی نسبت به بازار مصرف در کشور صادرکننده گاز وجود داشته باشد تا از این طریق کالاهای مورد نیاز آن کشور عملاً با گاز وارداتی تهاتر شود.

اولویت قرار دادن اصل خوش حسابی و عمل به تعهدات در همه قراردادهای و تعاملات بین المللی: به دلیل راهبردی بودن نقش انرژی در توسعه کشورهای واردکننده و راهبردی بودن منابع ارزی حاصل از صادرات آن در کشورهای صادرکننده و اثر تجارت انرژی بر ایجاد وابستگی متقابل، روابط انرژی و اعتماد متقابل بین طرفین به سختی شکل می گیرد و به سادگی از بین می رود. جریان تجارت انرژی مخصوصاً با کشورهای همسایه، موضوعی است که اگر یک بار قطع یا متوقف شود، سابقه‌های به شدت منفی در تجربه تاریخی دولت‌ها و ملت‌های طرف معامله ایجاد می کند و احیای روابط را دشوار می سازد. نمی توان انتظار داشت کشوری تأمین انرژی خود را به صادرکننده‌ای بسپارد که هر بار و به هر بهانه‌ای جریان انرژی را متوقف می کند. از سوی دیگر، نمی توان انتظار داشت کشوری تأمین درآمدهای ارزی مورد نیاز برای واردات کالاهای حیاتی خود را به واردکننده‌ای بسپارد که به هر بهانه‌ای جریان واردات را قطع می کند.

اولویت خرید در سیاست دیپلماسی گازی ایران مستلزم تغییر برخی بینش‌ها و انگاره‌ها در فضای سیاست گذاری و نخبگانی کشور نیز است. از جمله آن‌ها می توان به مورد زیر اشاره کرد:

گاز به عنوان کالای بازاری و دارای هزینه فرصت بالا: پیش‌نیاز توجه به واردات گاز به عنوان رویکرد

نیز می تواند ایران را به منابع وسیع الان جی در دنیا متصل و با توجه به شبکه گسترده خط لوله ایران، کشور را به بستر توزیع گاز مایع شده دنیا در میان کشورهای منطقه تبدیل کند.

۲-۳. تحلیلی بر الزامات اجرایی و رویکردی

از الزامات اجرایی تحقق سیاست خرید گاز در دیپلماسی انرژی ایران با کیفیت مناسب و تأمین حداکثری منافع کشور ذیل این سیاست می توان به سه مورد زیر اشاره کرد.

توجه به اصل تنوع بخشی به مبادی وارداتی: خرید گاز چه با هدف تأمین بخشی از نیاز داخلی و چه با هدف صادرات مجدد آن به متقاضیان دیگر انجام شود، ضروری است از مبادی متنوع و با توزیع متوازن سهم واردات بین این مبادی باشد، چراکه تأمین نیاز داخلی یا تقاضای صادراتی نباید با ریسک قطع (مخصوصاً به مدت طولانی) مواجه باشد. تنوع بخشی به مبادی واردات گاز و توزیع سهم واردات بین آن‌ها این امکان را می دهد که در صورت قطع جریان واردات از یک مبدأ (به هر دلیلی اعم از حوادث طبیعی، انسانی یا عوامل سیاسی)، امکان واردات از مبدأ دیگر وجود داشته باشد.

اولویت پیمان‌های پولی و تهاتر به عنوان سازوکارهای تسویه مالی: در مذاکره برای واردات گاز سازوکارهایی مانند پیمان‌های پولی دوجانبه یا تهاتر نسبت به استفاده از ارز ثالث اولویت دارند، زیرا این سازوکارها عملاً واردات گاز را با صادرات کالاها یا محصولات ایرانی جبران خواهند کرد و می تواند کشورهای تأمین کننده گاز ایران را به بازارهایی برای صادرات کالاها، از جمله نفت خام، فرآورده‌های نفتی، محصولات پتروشیمی، محصولات کشاورزی، ماشین آلات، خدمات فنی مهندسی و (حسب نیاز

و همراه با هدررفت فراوان مذموم است؛ بنابراین صرف افزایش مصرف و در نتیجه واردات گاز نشانه عقب‌ماندگی نیست و در صورتی که با مصرف بهره‌ور همراه باشد، اتفاقاً نشانه و علامتی از فعالیت بالای اقتصادی و پیشرفت است.

آنچه که باید مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد مصارف غیر بهره‌ور و به عبارت دیگر، بد مصرف کردن گاز طبیعی است. گرچه ایران در بین هشت کشور بزرگ خاورمیانه بعد از عراق و اسرائیل کمترین سرانه مصرف انرژی را دارا است (bp Statistical Review of World Energy 2020, 2020)، اما ایران در بین کشورهای منطقه بیشترین شدت مصرف انرژی (به معنای میزان انرژی مصرفی در ازای تولید ناخالص ملی) را داراست (SDG7: Energy Intensity, 2020).

با توجه به اینکه گاز طبیعی حدود ۷۰ درصد از مصارف انرژی ایران را تشکیل می‌دهد، این الگو برای مصرف گاز طبیعی ایران نیز صادق است که نشان از مصرف غیر بهره‌ور گاز طبیعی در ایران دارد؛ بنابراین پیش از هرگونه اقدام جهت واردات گاز طبیعی ابتدا ضروری است که پروژه‌های بهینه‌سازی مصرف گاز طبیعی کشور (هم در بخش صنعت و نیروگاهی و هم در بخش خانگی) اجرایی شوند تا گاز وارداتی به صورت بهینه مصرف شود. شاخص تحقق این تغییر نگاه کاهش شدت مصرف انرژی کشور خواهد بود.

جغرافیا مزیت درازمدت و اولویت‌دار؛ برخلاف سایر مزیت‌های ممکن برای پیشرفت یک کشور مانند فناوری، جمعیت و حتی منابع، جغرافیا مزیتی است که با اعمال اراده خارجی (مثل تحریم) قابل گرفتن نیست و مثل منابع فسیلی زیرزمینی با مصرف تمام نمی‌شود. از سوی دیگر، برخی مزیت‌های جغرافیایی با اقدامات رقبا و سایر کشورها، ممکن است از بین

دیپلماسی انرژی آن است که گاز ارزش واقعی خود را به دست بیاورد، از حالت یارانه‌ای و ارزان خارج شود و همه مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان آن را با ارزش واقعی‌اش مبادله، تولید و مصرف کنند. در غیر این صورت واردات کمکی به روند مصرف غیر بهینه گاز نخواهد کرد و هر وارداتی عملاً به معنای هدر دادن منابع ارزی کشور برای سوزاندن غیر بهره‌ور و غیرمولد در بخش‌های مختلف مصرف خواهد بود.

در سال ۱۳۹۷، ۲۸/۸ درصد از کل مصارف گاز طبیعی کشور مربوط به بخش خانگی و تجاری (ساختمان)، ۳۲/۴ درصد نیز مربوط به مصارف نیروگاه‌های گاز طبیعی و تنها حدود ۲۰ درصد گاز مصرفی کشور مربوط به صنایع عمده و پتروشیمی‌ها بوده است (ترازنامه هیدروکربوری سال ۱۳۹۷، ۱۳۹۹).

حدود ۸۰ درصد از گاز طبیعی ایران به صورت غیرمولد و یارانه‌ای و ارزان به مصرف می‌رسد که این عامل سبب شده طرح‌های بهینه‌سازی در بخش‌های مختلف جذابیت کافی نداشته باشند و نیز سبب شده صنعت گاز طبیعی نتواند هزینه‌های سرمایه‌گذاری لازم برای توسعه تولید را از طریق فروش گاز طبیعی کسب کند؛ بنابراین پیش از اقدام به واردات گاز طبیعی باید گاز طبیعی به عنوان یک کالای دارای هزینه فرصت بالا انگاشته شده و به عنوان سوخت غیرمولد مورد استفاده قرار نگیرد. شاخص تحقق این تغییر، نگاه به افزایش سهم صنایع در مصرف گاز طبیعی و کاهش سهم مصارف غیرمولد است.

مصرف بهره‌ور و بالا علامت پیشرفت اقتصادی؛ ضروری است به این نکته توجه شود که صرف مصرف بالای انرژی، مخصوصاً گاز نباید به عنوان شاخصی نامطلوب تلقی شود، بلکه مصرف غیر بهره‌ور

۴. بحث و نتیجه‌گیری

موضوع اصلی دیپلماسی انرژی تجارت شامل خرید، فروش، معاوضه یا عبور حامل‌های انرژی است. از میان حامل‌های مختلف انرژی گاز به دلیل ایجاد وابستگی متقابل زیاد موضوع اصلی این مقاله است. رویکرد اصلی در دیپلماسی گازی ایران تاکنون تمرکز بر صادرات این حامل بوده است.

تمرکز صرف بر صادرات گاز به سه دلیل، دیگر تأمین‌کننده منافع ایران نیست: اول، ظهور قطب‌های تولید و مصرف گاز در منطقه، افزایش اهمیت جغرافیایی ایران و فرصت ویژه نقش‌آفرینی در عبور و دادوستد گاز (افزایش تولید گاز طبیعی ترکمنستان و آذربایجان به ترتیب به میزان بیست و سی میلیون متر مکعب در روز تا سال ۲۰۲۸ و افزایش تقاضای عراق و پاکستان به ترتیب به میزان شش و پانزده میلیون مترمکعب در روز تا سال ۲۰۲۸)، دوم، فعال بودن مسیرهای جایگزین برای از بین بردن مزیت ایران در عبور و دادوستد گاز و سوم، ناترازی و کسری گاز در داخل کشور.

طبق آخرین پیش‌بینی، حتی در صورت اجرای سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی در حوزه مصرف گاز طبیعی، فاصله بین عرضه و تقاضای گاز طبیعی ایران در سال ۱۴۲۰ به حدود نه میلیون مترمکعب در روز خواهد رسید و تولید گاز ایران نمی‌تواند تقاضای گاز این کشور را پوشش دهد.

بنابراین سیاست دیپلماسی گازی ایران با یک فرصت و یک تهدید مواجه است: فرصت افزایش اهمیت جغرافیایی ایران به دلیل رشد نقاط تولید و مصرف گاز در منطقه و تهدید کسری تراز گازی کشور. پس صادرات محوری در سال‌های پیش رو تأمین‌کننده منافع ملی ایران نخواهد بود و ضروری

بروند و فرصت استفاده از آن‌ها و تبدیل آن‌ها به زیرساختی برای توسعه و امنیت تمام شود؛ بنابراین راهبردهایی که استفاده از این مزیت را مد نظر قرار می‌دهند اولویت دارند.

همان‌طور که در بخش آسیب‌شناسی بررسی شد، از این به بعد، دیپلماسی صادرات محور پاسخگوی منافع ایران نخواهد بود و به همین دلیل ضروری است نگاه به دیپلماسی از نگاه مبتنی بر منابع که تمام‌شدنی و تحریم‌شدنی است، به نگاه مبتنی بر جغرافیا و دادوستد بین نقاط تولید و مصرف تغییر کند. شاخص تحقق این تغییر نگاه تعداد قراردادهای ترانزیت گاز طبیعی از کشورهای تولیدکننده به کشورهای مصرف‌کننده است.

کمبود انرژی به مثابه فرصت و پنجره سیاستی‌ای برای تثبیت دیپلماسی واردات گاز: اگرچه کمبود انرژی به خودی خود تهدید یا نقطه ضعف محسوب می‌شود، اما از منظر دیپلماسی انرژی این کمبود فرصتی است تا زمینه گفت‌وگوی نخبگانی و تصمیم‌سازی در خصوص افزایش نقش واردات و خرید گاز در دیپلماسی انرژی کشور فراهم آید.

به عبارت دیگر، تا زمانی که منابع انرژی فراوان در اختیار باشد، صحبت از اولویت خرید انرژی به عنوان رکنی از دیپلماسی انرژی جذابیتی نخواهد داشت و نمی‌تواند نظر تصمیم‌گیران را به خود جلب کند، اما در شرایط کمبود انرژی خرید انرژی از همسایگان راهبردی است که می‌تواند دو هدف (پوشش کمبود انرژی و وابسته‌سازی متقابل) را تأمین کند و در نتیجه احتمالاً مقبولیت بیشتری نزد تصمیم‌گیران خواهد داشت. شاخص تحقق این نگاه تعداد قراردادهای واردات گاز طبیعی است.

تثبیت دیپلماسی خرید گاز.

با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته، به منظور افزایش واردات گاز در افق بیست‌ساله لازم است از هم‌اکنون مناقشات واردات گاز طبیعی از ترکمنستان رفع و مذاکرات جدید جهت آغاز واردات از این کشور صورت گیرد. از طرف دیگر، می‌بایست مذاکراتی جهت واردات گاز طبیعی از آذربایجان، به‌ویژه آنکه در حال حاضر حدود شش میلیارد مترمکعب در سال از ظرفیت صادرات گاز طبیعی این کشور به دلیل عدم تمدید قرارداد صادرات گاز به ترکیه آزاد شده است (Pirani, 2021)، صورت گیرد.

بازتعریف این سیاست نه یک انتخاب که ضرورتی انکارناپذیر است؛ بنابراین پیشنهاد محوری این پژوهش به منظور بهبود فرایند تصمیم‌گیری، قدرت تصمیم‌گیری در حوزه دیپلماسی انرژی از وزارتخانه‌های مربوطه به شورای امنیت ملی منتقل شده تا سیاست ترکیبی صادرات واردات گاز و برق توأمان و به‌طور هماهنگ بخشی از مسائل را حل کند.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاق در پژوهش این مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

مشارکت نویسندگان

مفهوم‌سازی: محمد صادق کریمی؛ روش‌شناسی:

است که توجه به کشورهای دارنده منابع گاز در اطراف ایران در صدر اولویت‌های دیپلماسی انرژی ایران قرار گیرد.

با توجه به اینکه در مقایسه بین بسترهای مختلف همکاری با کشورهای دارنده منابع گاز، از این منظر که کدام بستر همکاری قدرت مانور بیشتری در عرصه سیاست بین‌الملل به ایران می‌دهد، «خرید و فروش» نسبت به «معاوضه» و «معاوضه» نسبت به «ترانزیت» اولویت دارد، اولویت راهبردی دیپلماسی گاز ایران در سال‌های پیش رو خرید حداکثری گاز از کشورهای دارای منابع گاز منطقه است.

توجه به اصل تنوع‌بخشی به مبادی وارداتی، اولویت پیمان‌های پولی و تهاتر به عنوان سازوکارهای تسویه مالی و اولویت قرار دادن اصل خوش‌حسابی و عمل به تعهدات در همه قراردادهای و تعاملات بین‌المللی الزامات اجرایی تحقق مناسب سیاست خرید گاز و تأمین منافع کشور ذیل این سیاست است.

از آنجا که جمهوری اسلامی ایران تحت شدیدترین تحریم‌های ایالات متحده آمریکا، در حوزه بانکی و انتقال پول، قرار دارد، پیمان‌های پولی و تهاتر باتوجه به اینکه این روش‌های تسویه مالی به پیش‌نیاز خارجی و تصمیم‌گیری‌های طرف سوم وابسته نیست، می‌بایست در اولویت قرار گیرند.

برای تحقق مناسب سیاست واردات گاز طبیعی نیاز به تغییر برخی نگاه‌ها و انگاره‌ها در فضای سیاست‌گذاری و نخبگانی کشور نیز است، از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: گاز به عنوان کالای بازاری و دارای هزینه‌فرصت بالا، مصرف بهره‌ور و بالا به عنوان علامت پیشرفت اقتصادی، جغرافیا مزیت درازمدت و اولویت‌دار کشور و کمبود انرژی به مثابه فرصت و پنجره سیاستی‌ای برای

رضا حافظی؛ تحلیل ، تحقیق و بررسی: همه نویسندگان؛ ویراستاری و نهایی‌سازی: امیرحسین سوهانکار

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

منابع فارسی

- دانش نفت. (۱۳۹۵). پروژه‌های ال‌ان‌جی ایران در انتظار اجرا.
- شورای عالی انرژی. (۱۴۰۰). سند تراز تولید و مصرف گاز طبیعی در کشور تا افق ۱۴۲۰.
- بحرینی، م (۱۳۹۰). بررسی جایگاه ایران در تجارت گاز طبیعی. ماهنامه علمی اکتشاف و تولید نفت و گاز، ۱۸(۷۷)، ۱۸-۱۶.
- شیریحیان، م. و میرهاشمی، س. ر. (۱۳۹۶). ارزیابی ریسک‌های اقتصادی امنیتی صادرات گاز طبیعی از طریق خط لوله به کشورهای هند، پاکستان و ترکیه. فصلنامه اقتصاد دفاع، ۲(۵)، ۱۰۴-۸۳.
- شورای عالی انرژی. (۱۳۹۵). سند ملی راهبرد انرژی کشور. تهران: شورای عالی انرژی.
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای (۱۳۷۹). سیاست‌های کلی نظام در زمینه انرژی.
- خبرگزاری صدا و سیما. (۱۳۹۹). ایران به دنبال صادرات گاز به اروپا.
- یاری، ا. و رضایی، د. (۱۳۹۶). دیپلماسی و امنیت انرژی جمهوری اسلامی ایران. ماهنامه پژوهش ملل، ۲(۲۱)، ۲۷-۴۶.

References

- Adeli, S. M. H. (2010). The contribution of energy diplomacy to international security; with special emphasis on Iran. *Iranian Review of Foreign Affairs*, 1(2), 1-39. http://irfajournal.csr.ir/article_123372.html
- Bahreini, M. (2011). [Investigating Iran's position in natural gas trade (Persian)]. *Scientific Journal of Exploration & Production Oil & Gas*, 1390(77), 16-18. <http://ekteshaf.nioc.ir/article-1-631-fa.html>
- Boese, A. M. (2019). EU energy diplomacy: Searching for new suppliers in Azerbaijan and Iran. *Geopolitics*, 24(1), 145-173. [DOI:10.1080/14650045.2018.1477755]
- Crowther, M., Lim, W., & Crowther, M. A. (2010). Systematic review and meta-analysis methodology. *Blood, The Journal of the American Society of Hematology*, 116(17), 3140-3146. [DOI:10.1182/blood-2010-05-280883]
- Dale, S., & Fattouh, B. (2018). Peak oil demand and long-run oil prices. *The Oxford Institute for Energy Studies*, 25, 1-11. <https://www.oxfordenergy.org/publications/peak-oil-demand-long-run-oil-prices/#:~:text=The%20prospect%20that%20global%20oil,that%20this%20focus%20seems%20misplaced>
- Daneshnaft. (2016). [Iran LNG projects awaiting implementation (Persian)]. Retrieved from: <http://daneshnaft.ir/cvid/220/content/9737/%D9%BE%D8%B1%D9%88%DA%8%A7%D8%AC%D8%B1%D8%A7.aspx>
- Goldthau, A. (2010). Energy diplomacy in trade and investment of oil and gas. In A. Goldthau, & J. M. Witte (Eds.), *Global energy governance: The new rules of the game* (PP. 25-47). Washington, DC: Brookings Institution Press. https://www.google.com/books/edition/Global_Energy_Governance/nbd0-oszodUC?hl=en&gbpv=0
- Herranz-Surrallés, A. (2016). An emerging EU energy diplomacy? Discursive shifts, enduring practices. *Journal of European Public Policy*, 23(9), 1386-1405. <https://cris.maastrichtuniversity.nl/en/publications/an-emerging-eu-energy-diplomacy-discursive-shifts-enduring-practi>
- Information Center of the Office for the Preservation and Publication of the Works of the Grand Ayatollah Seyyed Ali Khamenei. (2001). [General policies of the system in the field of "energy" (Persian)]. Retrieved from: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=29280>
- IRIB News Agency. (2021). [Iran seeks gas exports to Europe (Persian)]. Retrieved from: <https://www.iribnews.ir/fa/news/3021236/%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D8%A7%D8%B1%D9%88%D9%BE%D8%A7>
- Financial Tribune. (2020). ICA rules Iran pay \$2b to Turkmen gaz. Retrieved from: <https://financialtribune.com/articles/energy/104062/ica-rules-iran-pay-2b-to-turkmen-gaz>
- Offshore Energy. (2013). Iran ready to export gas to Jordan, Lebanon and Syria. Retrieved from: <https://www.offshore-energy.biz/iran-ready-to-export-gas-to-jordan-lebanon-and-syria/>
- Liao, J. X. (2013). China's energy diplomacy and its "peaceful rise" ambition: The cases of Sudan and Iran. *Asian Journal of Peacebuilding*, 1(2), 197-225. [DOI:10.18588/201311.000013]
- Petri, F. (2020). Revisiting EU climate and energy diplomacy: A starting point for green deal diplomacy? *Egmont European Policy Brief*, 65, 1-9. <http://aei.pitt.edu/id/eprint/103670>
- AzeMedia. (2021). Azerbaijan's gas sales strategy at a crossroads. Retrieved from: <https://aze.media/azerbaijans-gas-sales-strategy-at-a-crossroads/>
- Prange-Gstöhl, H. (2009). Enlarging the EU's internal energy market: Why would third countries accept EU rule export? *Energy Policy*, 37(12), 5296-5303. [DOI:10.1016/j.enpol.2009.07.070]
- Sadeghi, A., Dehghani Firouz Abadi, S. J., & Ajili, H. (2018). [Requirements of Iranian energy diplomacy in international political economy (Persian)]. *Studies of International Relations Journal* (Political Science and International Relations Journal), 11(43), 73-105. http://prb.iauctb.ac.ir/article_545068.html?lang=en
- Salami Zavareh, M., & Fallahi Barzoki, M. (2018). China's energy security: IR Iran and Saudi Arabia's role in China's energy diplomacy. *Iranian Economic Review*, 22(3), 707-717. [DOI:10.22059/IER.2018.66639]

- Shirijian, M., & Mirhashemi, S. R. (2017). [Assessing the economic-security risks of exporting natural gas through pipelines to India, Pakistan and Turkey. (Persian)] *Defense Economics*, 2(5), 83-104. https://eghtesad.sndu.ac.ir/article_450.html?lang=en
- Baker Schaffer, M. (2008). The great gas pipeline game: Monopolistic expansion of Russia's Gazprom into European markets. *Foresight*, 10(5), 11-23. [DOI: 10.1108/14636680810918478]
- Seidler, A. L., Hunter, K. E., Cheyne, S., Ghersi, D., Berlin, J. A., & Askie, L. (2019). A guide to prospective meta-analysis. *BMJ*, 367, 15342. [DOI:10.1136/bmj.l5342]
- Supreme Council of Energy. (2021). [Natural gas production and consumption level up to 2041 horizon (Persian)]. Retrieved from: <https://www.farsnews.ir/news/14000111000212/%D8-%D8%B4%D8%AF-%D8%B3%D9%86%D8%AF>
- Supreme Council of Energy. (2016). [National document of the country's energy strategy (Persian)]. Tehran: Supreme Council of Energy. <https://qavanin.ir/Law/PrintText/254005>
- Temizer, M. (2020). Turkey, Azerbaijan sign MoU to supply gas to Nakhchivan. Retrieved from: <https://www.aa.com.tr/en/energy/energy-diplomacy/turkey-azerbaijan-sign-mou-to-supply-gas-to-nakhchivan/31318>
- Wu, F. (2015). China's puzzling energy diplomacy toward Iran. *Asian Perspective*, 39(1), 47-69. [DOI:10.1353/apr.2015.0009]
- Xuanli Liao, J. (2021). China's energy diplomacy towards Central Asia and the implications on its "belt and road initiative". *The Pacific Review*, 34(3), 490-522. [DOI:10.1080/09512748.2019.1705882]
- Yari, E., & Rezaei, D. (2017). [Diplomacy and energy security of the Islamic Republic of Iran (Persian)]. *International Journal of Nations Research*, 2(21), 27-46. <http://ensani.ir/fa/article/373703/%D8%AF%D-B%8C%D9%BE%D9%84%D9%85%D8%A7%D-B%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86>
- Youngs, R. (2011). Foreign policy and energy security: Markets, pipelines, and politics. In V.L. Birchfield, & J.S. Duffield (Eds.), *Toward a common European Union Energy Policy: Problems, progress, and prospects* (pp. 41-60). New York: Palgrave Macmillan. https://www.google.com/books/edition/Toward_a_Common_European_Union_Energy_Po/V5oGTwEA-CAAJ?hl=en
- Organization of the Petroleum Exporting Countries. (2020). World oil outlook 2045. Vienna: Organization of the Petroleum Exporting countries. https://www.opec.org/opec_web/static_files_project/media/downloads/press_room/Launch%20of%20the%20WOO2020%20-%20presentation.pdf
- No Author. (2021). Statistical review of world energy. Retrieved from: <https://www.bp.com/en/global/corporate/energy-economics/statistical-review-of-world-energy.html>
- International Energy Agency. (2020). SDG7: Data and projections. Paris: International Energy Agency. <https://www.iea.org/reports/sdg7-data-and-projections>